



A Comparative Study of the Approach of Islamic and Iranian Legal Systems to Verbal Violence

Maral Abbasi¹, Atefeh Lorkojuri^{2*}, Tayebeh Ghodrati Siahmazegi³

1. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 109-121

Corresponding author Info

ORCID: 0000-0002-7685-0998

TELL: +981342247001

Email: A.lorkojuri110@yahoo.com

Article history:

Received: 17 Mar 2025

Revised: 20 May 2025

Accepted: 23 Jun 2025

Published online: 23 Sep 2025

Keywords:

Verbal Violence, Qadzf, Libel, Offence, Lean, Ila, Zehar.

ABSTRACT

Today, verbal violence phenomenon has been noticed in the most countries legal system. In Iran's legal system some examples of this violence can be seen, which are mainly taken from the sources of Shia jurisprudence. Although in Shia jurisprudence, the term "verbal violence" is not explicitly used, but in some topics related to it, including the chapter on Hudud, punishments, marriage and guardianship, behaviors that are currently considered examples of verbal violence have been mentioned. This article, which in three parts, has analyzed the comparative approach of Islamic and Iranian legal systems to verbal violence, its findings show that: In the case of hudud, qadzf and offence to prophet and in the case of punishment, offence, libel and threats are the most important forms of violence. They are theological ones whose rules are mainly expressed in a similar way in Shia jurisprudence and Iranian criminal laws. Also, regarding marriage, zehar, ila and lean are the most important words mentioned in Shia jurisprudence that cause psychological harm to women. However, among the above three cases in Iran's legal system, only the rules related to cursing are stated in the laws and Iranian laws do not have a ruling on Zahar and Ila. In addition to the above cases, in Shia jurisprudence regarding guardianship and custody, the subject of child punishment and discipline has been taken into consideration and punishment and discipline have been prescribed in some laws in Iran's legal system. Since punishment and discipline may be in the form of language, it can be considered as an example of verbal violence.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Abbasi, M; Lorkojuri, A & Ghodrati Siahmazegi, T (2025). "A Comparative Study of the Approach of Islamic and Iranian Legal Systems to Verbal Violence". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(3): 109-121.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴

بررسی تطبیقی رویکرد نظام‌های حقوقی اسلام و ایران به خشونت کلامی

محمدرضا نجفی الموتی^۱، عاطفه لركجوری^{۲*}، امیررضا محمودی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

چکیده

امروزه پدیده خشونت کلامی در نظام حقوقی بیشتر کشورها مورد توجه قرار گرفته است. در نظام حقوقی ایران نیز برخی مصادیق این خشونت، قابل مشاهده است که عمدتاً برگرفته از منابع فقه شیعه است، اگرچه در فقه شیعه، به صراحت عبارت «خشونت کلامی» به کار نرفته است، اما در برخی مباحث مربوط به آن از جمله باب حدود، تعزیرات، زوجیت و ولایت به رفتارهایی اشاره شده است که در حال حاضر ارتکاب آن‌ها مصداق خشونت کلامی به‌شمار می‌آید. مقاله کنونی که در سه بخش به بررسی تطبیقی رویکرد نظام‌های حقوقی اسلام و ایران به خشونت کلامی پرداخته است، یافته‌های آن نشان می‌دهد: در باب حدود، قذف و سب‌النبی و در باب تعزیرات، سب، افتراء و تهدید مهم‌ترین خشونت‌های کلامی هستند که قواعد آن‌ها عمدتاً به شکل مشابه در فقه شیعه و قوانین جزایی ایران بیان شده است. همچنین در باب زوجیت، ظهار، ایلاء و لعان مهم‌ترین گفتارهای مورد اشاره در فقه شیعه هستند که موجب آزار روانی زن می‌شوند. با این حال در میان موارد سه‌گانه فوق در نظام حقوقی ایران، تنها قواعد مربوط به لعان در قوانین بیان شده است و قوانین ایران در مورد ظهار و ایلاء حکمی ندارد، علاوه بر موارد فوق در فقه شیعه در باب ولایت و حضانت، موضوع تنبیه و تأدیب کودک مورد توجه قرار گرفته و در نظام حقوقی ایران نیز تنبیه و تأدیب در برخی قوانین تجویز گردیده است؛ از آنجایی که تنبیه و تأدیب ممکن است به صورت زبانی باشد، آن را می‌توان مصداق خشونت کلامی دانست.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰۹-۱۲۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد اراکید: ۰۰۹۸-۰۷۶۸۵-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: ۰۹۸۱۳۴۲۲۴۷۰۰۱

ایمیل: A.lorkojuri110@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

خشونت کلامی، قذف، افتراء، سب، لعان، ایلاء، ظهار.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

رفتارهای خشونت‌آمیز که پیشینه‌ای به درازای حیات بشری دارند تاکنون مورد توجه مکاتب فکری متعددی بوده است، ازجمله مکتب‌هایی که در آموزه‌های آن به برخی ابعاد خشونت توجه شده است، مکتب اسلام است، اگرچه در منابع اسلامی به‌صراحت عبارت «خشونت» به‌کار نرفته است، اما در این منابع نمونه‌های متعددی از اعمالی را که مصداق خشونت هستند و احکام مربوط به آن‌ها را می‌توان مشاهده نمود. برخی از این اعمال که در آثار فقه‌های شیعه نیز بدان‌ها اشاره شده است، اعمالی هستند که امروزه از منظر جامعه‌شناسان و حقوق‌دانان، مصداق خشونت کلامی یا گفتاری به‌شمار می‌آیند.

به موازات مکتب فکری اسلام و تا حد زیادی تحت تأثیر آن، امروزه موضوع خشونت در نظام حقوقی برخی از کشورهای اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است، به‌طوری‌که در پرتو آموزه‌های اسلامی بسیاری از مباحث مرتبط با خشونت گفتاری در فقه اسلامی، وارد نظام حقوق کیفری این کشورها شده است.

باتوجه به این‌که نظام حقوقی ایران تا حد زیادی مبتنی بر منابع اسلامی است و در تدوین قسمت عمده‌ای از قوانین ایران از فقه شیعه بهره گرفته شده است، بررسی مقایسه‌ای رویکرد فقه شیعه با نظام حقوقی ایران در زمینه خشونت کلامی، نشان دهنده میزان تأثیرپذیری نظام حقوق کیفری ایران از فقه شیعه در این خصوص خواهد بود. با امان نظر به این موضوع و اهمیتی که خشونت گفتاری در حقوق کیفری از جهات متعدد، ازجمله تأثیر آن در پیدایش خشونت‌های فیزیکی و جرایم دارد و آثار نامطلوب آن نیز مورد تأکید بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است، مقاله کنونی به بررسی تطبیقی رویکرد فقه شیعه و حقوق ایران به خشونت گفتاری می‌پردازد.

باتوجه به اهمیت موضوع خشونت کلامی و برخی ابهاماتی که درخصوص آن در نظام حقوقی ایران وجود دارد، مقاله کنونی با روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و نگاهی تطبیقی به بررسی رویکرد فقه و حقوق ایران به خشونت

کلامی، خواهد پرداخت. در این راستا در بخش نخست مقاله در مورد مفهوم و انواع خشونت کلامی، توضیح داده می‌شود، پس از آن در بخش دوم مقاله، خشونت کلامی در فقه جزایی و حقوق کیفری ایران شرح داده خواهد شد و درنهایت در بخش سوم، خشونت کلامی در فقه خانواده و حقوق مدنی ایران، بررسی می‌شود.

۱- مفهوم و انواع خشونت‌های کلامی

به‌منظور بررسی دقیق ابعاد خشونت کلامی از منظر فقهی و حقوقی در درجه نخست، لازم است مفهوم خشونت کلامی و انواع آن، شناخته شود. به همین جهت در این قسمت به ترتیب در مورد این دو موضوع، توضیح داده خواهد شد.

۱-۱- مفهوم خشونت کلامی

«خشونت»^۱ به‌معنای استفاده از زور فیزیکی یا کلامی برای قراردادن دیگران در وضعیتی برخلاف میل آنان است. پدیده خشونت در یک تقسیم‌بندی کلی به خشونت فیزیکی^۲ و خشونت کلامی^۳ قابل تقسیم است. منظور از خشونت فیزیکی، اعمال و رفتارهای مادی است که بر جسم شخص مقابل تأثیر می‌گذارد، اعم از این‌که دارای آثار مادی خارجی باشد یا نباشد، مانند ضرب و شتم، مشت‌زدن، لگزدن، گازگرفتن، تکان‌های شدید، هل‌دادن، خفه‌کردن، زخم‌کردن، غرق‌کردن، کشیدن مو، سوزاندن و قطع کردن نیازهای فیزیکی مثل تغذیه، بهداشت. در مقابل، خشونت کلامی عبارتست از بیان کلام یا گفتاری که به‌منظور تحقیر، تخریب روانی، تهدید و یا کنترل فرد مخاطب انجام شود، به‌طوری‌که برای وی آزاردهنده باشد (Karakurt & Silver, 2013: 804-821). هدف این‌گونه رفتار آزاردهنده، عمدتاً تلاش برای کسب قدرت، کنترل و ترساندن مخاطب برای تسلیم‌شدن است و معمولاً آثاری چون اضطراب، تغییر در خلق و خوی، استرس مزمن، کاهش اعتماد به نفس، افسردگی، احساس شرم و گناه و انزوای اجتماعی را به‌دنبال دارد (Gordon, 2024: 4-5).

^۳- Verbal Violence

^۱- Violence

^۲- Physical Violence

۲-۱- انواع خشونت کلامی

خشونت کلامی از جهات متعدد به انواع مختلفی، قابل تقسیم است. برخی نویسندگان از جهت ابزار یا وسیله‌ای که خشونت کلامی با آن بروز می‌یابد، آن را به خشونت زبانی و خشونت نوشتاری تقسیم نموده‌اند. از نظر آنان، منظور از خشونت کلامی زبانی، خشونتی است که با گفتار و کلام و یا ایماء و اشاره‌ای که دلالت بر خشونت نماید، واقع می‌شود. در مقابل، خشونت کلامی نوشتاری، شامل مواردی است که با خط (در قالب نثر یا شعر مانند هجو نامه) و یا تصویری که حاوی پیام خشونت آمیز باشد، بروز می‌یابد (How do you write verbal abuse without it coming off as cheesy, 2022).

یکی دیگر از تقسیم‌بندی‌های رایجی که در مورد خشونت کلامی، ارائه شده است، تقسیم آن از جهت مخاطب خشونت می‌باشد، بدین صورت که در برخی موارد، خشونت کلامی، ناظر به عموم افراد است و در برخی موارد دیگر، مخاطب خشونت کلامی، گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان و کودکان هستند؛ این تقسیم‌بندی بر این موضوع تأکید دارد که در برخی موارد، ممکن است یک گفتار لزوماً نسبت به همه افراد جامعه، خشونت‌آمیز نباشد یا به عبارت دیگر هر مخاطبی را تحت تأثیر قرار ندهد، اما از نظر روانی بر زنان یا کودکان، تأثیرگذار بوده و خشونت‌آمیز محسوب شود. این تقسیم‌بندی از منظر نظام حقوق بین‌الملل و نظام حقوق داخلی بسیاری از کشورها بسیار حائز اهمیت محسوب می‌شود، به طوری که بر مبنای آن از یک سو، حمایت از زنان و کودکان قربانیان خشونت در بسیاری از اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است و از دیگر سو در نظام حقوقی داخلی برخی کشورها مبنای شکل‌گیری سیاست جنایی افتراقی شده است (World Health Organization, 2024).

در نهایت باید گفت، خشونت کلامی از جهت رویکرد نظام حقوق کیفری به آن نیز قابل تقسیم است و به خشونت کلامی منطبق با جرایم و خشونت کلامی فاقد وصف کیفری، تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی از منظر نظام حقوق کیفری از جهت ضمانت اجرای حقوقی موجود برای مقابله با پدیده خشونت کلامی، حائز اهمیت می‌باشد.

۲- خشونت کلامی در فقه جزایی و حقوق کیفری ایران

همان‌طور که پیش از این بیان شد، در آثار فقه‌های شیعه عبارت «خشونت کلامی» به صراحت به کار نرفته است، با این حال در برخی ابواب فقهی از برخی اعمال و رفتارهایی سخن گفته شده است که امروزه ارتکاب آن‌ها مصداق خشونت کلامی محسوب می‌شود. به همین جهت در این بخش، ابواب فقهی مرتبط با فقه جزایی که در آن‌ها می‌توان مصادیق خشونت کلامی را مشاهده نمود، یعنی باب حدود و تعزیرات به تفکیک، توضیح داده می‌شود.

۲-۱- خشونت کلامی در باب حدود

مهم‌ترین مصادیق خشونت کلامی در باب حدود را می‌توان قذف و سب‌النبی دانست که در این قسمت به بررسی تطبیقی آن‌ها در فقه جزایی و حقوق کیفری ایران پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱- قذف

«قذف» در لغت به معنای انداختن تیر و ریگ و سخن و هر چیز دیگری است و در اصطلاح فقهی عبارت از نسبت زنا یا لواط دادن به زن یا مرد است. به زعم برخی از نویسندگان، ارتباط مستقیمی میان معنای لغوی و اصطلاحی قذف وجود دارد، بدین صورت که قذف‌کننده در واقع، الفاظ ناروا و نسبت‌های نامناسب را مانند تیری به سوی اشخاص نشانه می‌گیرد و وی را با چنین نسبت‌هایی ترور شخصیتی می‌نماید (بطحائی گلپایگانی، ۱۳۸۲: ۳۰).

اگرچه قذف، خود یکی از مصادیق توهین یا افتراء است، اما در آثار فقهی ذیل عنوان حدود از آن بحث شده است. قذف، از منظر اسلام، عملی حرام و جزء گناهان کبیره بوده و جزء در موارد خاص، مستوجب مجازات حدی (هشتاد ضربه تازیانه) است. به عقیده برخی نویسندگان، دلیل این‌که این گفتار ناهنجار نسبت به سایر مصادیق توهین، دارای چنین مجازات سنگینی است، آن است که قذف‌کننده شخصیت معنوی و اعتقادی قذف‌شونده را در معرض نابودی قرار می‌دهد (بطحائی گلپایگانی، ۱۳۸۲: ۳۳). به همین جهت می‌توان آن را یکی از مصادیق خشونت کلامی دانست. به نظر می‌رسد این خشونت کلامی علاوه بر قذف شونده، متوجه شخص دیگری که ادعا

شده است با قذف‌شونده رابطه زنا یا لواط داشته است (و در زمان قذف در محل قذف‌شدن حضور دارد) نیز متصور است.

قذف باوجود آن که مصداق خشونت کلامی و گفتاری نکوهیده محسوب می‌شود، در برخی موارد از مجازات حدی معاف است، ازجمله این موارد، زمانی است که پدر، فرزند خود را قذف نماید. از نظر برخی فقهای شیعه، دلیل عدم اجرای حد درخصوص پدر آن است که پدر اصل است و همان‌گونه که در قتل پسر قصاص نمی‌شود، در قذف نیز حد بر وی جاری نمی‌شود، اما به دلیل زشتی گفتار و به زبان آوردن چنین نسبت ناروایی، تعزیر می‌شود (حر عاملی، ۱۳۹۲: ۴۴۹/۱۸).

با این حال، برخی فقهای اهل سنت در این خصوص دیدگاه دیگری دارند، به‌طوری که «مالک» می‌گوید: حد بر قذف‌کننده نسبت به فرزند خود، واجب می‌باشد؛ دلیل آن نیز عموم آیه مربوط به قذف است که فرقی میان قاذف نسبی و اجنبی نمی‌گذارد (ابن قدامه، ۱۴۰۰: ۲۱۹/۸).

به‌نظر می‌رسد پذیرش این دیدگاه به‌نحو بهتری می‌تواند در مقابله با قذف به‌عنوان یکی از مصادیق خشونت کلامی و جلوگیری از ارتکاب آن، مؤثر باشد.

قذف در نظام کیفری ایران نیز مورد توجه قرار گرفته و در حال حاضر قواعد آن در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، تعیین گردیده و قانون‌گذار در برخی مواد به آزردهنده‌بودن آن نیز توجه داشته است^۱، اگرچه قواعد مربوط به قذف در قانون مجازات اسلامی برگرفته از فقه شیعه است و عمدتاً با آن مشابهت دارد، اما تفاوت‌هایی نیز میان آن‌ها مشاهده می‌شود که برخی از آن‌ها بدین شرح است: نخست آن‌که، برخلاف دیدگاه فقهای شیعه که عمدتاً وسیله ارتکاب قذف را گفتار دانسته‌اند و در آثار فقهی عمدتاً از به‌کاربردن لفظ برای ارتکاب قذف سخن گفته شده است؛ در قانون مجازات اسلامی، قذف، محدود به گفتار یا لفظ نشده است، بلکه شامل نوشتار نیز می‌شود. به‌عنوان مثال، تبصره ماده ۲۴۶ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) بیان می‌دارد: «قذف علاوه بر لفظ با

نوشتن، هرچند به شیوه الکترونیکی نیز محقق می‌شود.» بنابراین ازجهت وسیله ارتکاب خشونت گفتاری در قالب قذف، نظام کیفری ایران، دایره شمول گسترده‌تری دارد؛ دوم آن‌که، در قوانین جزایی ایران برخی شروطی که در فقه شیعه برای تحقق قذف لازم دانسته شده و تحقق قذف مقید به آن‌ها گردیده است، وجود ندارد. به‌عنوان مثال در میان فقهای شیعه و سنی، نسبتاً اتفاق نظر وجود دارد که قذف در صورتی موجب حد است که قذف‌شونده بالغ، عاقل، حر و مسلمان و پاکدامن باشد و در غیر این موارد، قذف‌کننده، تنها تعزیر می‌شود، اما در قانون مجازات اسلامی، بیان شده است: «قذف در صورتی موجب حد می‌شود که قذف‌شونده در هنگام قذف، بالغ، عاقل، مسلمان، معین و غیرمتظاهر به زنا یا لواط باشد»^۲. بنابراین همان‌طور که در این ماده مشاهده می‌شود، در قانون قید حربودن، برخلاف آن‌چه در منابع فقهی بیان شده است، وجود ندارد. به‌نظر می‌رسد دلیل این موضوع، فقدان بردگی در عصر کنونی و منتفی‌بودن موضوع آن در ایران است؛ سوم آن‌که، در نظام حقوقی ایران به‌موجب ماده ۲۵۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، «کسی که دیگری را به یک یا چند سبب، یک بار یا بیشتر قبل از اجرای حد، قذف نماید فقط به یک حد محکوم می‌شود، لکن اگر پس از اجرای حد، قذف را تکرار نماید حد نیز تکرار می‌شود...» این درحالی است که برخی فقهای شیعه، تعدد قذف را به‌عنوان تعدد سبب، موجب تعدد حد دانسته‌اند. به‌عنوان مثال، صاحب جواهر در این زمینه بیان می‌دارد: «اگر نسبت قذف برای یک نفر متعدد بشود، مانند این‌که یک مرتبه نسبت زنا بدهد و یک مرتبه دیگر نسبت لواط و مرتبه سوم نسبت مفعول واقع‌شدن، برای هر یک حدی جداگانه لازم می‌شود» (نجفی، ۱۴۰۰: ۴۲۷/۱).

باتوجه به این‌که ارتکاب قذف در هر مرتبه (به‌ویژه در مواردی که چندین قذف واقع شود و ارتکاب آن‌ها با فاصله زمانی باشد)، موجب آزار مخاطب می‌شود. به‌نظر می‌رسد دیدگاه فقهی که هر بار ارتکاب قذف را مستوجب مجازات می‌داند درجهت مقابله با قذف، مؤثرتر باشد. بنابراین درجهت بازدارندگی بیشتر

۲- ماده ۲۵۱ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲).

۱- به‌عنوان مثال، ماده ۲۵۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) از اذیت‌شدن مخاطب در اثر قذف سخن گفته است.

از انبیای عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند، سب‌النبی است و به اعدام محکوم می‌شود.» همچنین به موجب تبصره این ماده، «قذف هریک از ائمه معصومین (ع) و یا حضرت فاطمه زهرا (س) یا دشنام به ایشان در حکم سب نبی است.»

با این حال، مصادیق سب‌النبی در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) نسبت به مصادیق آن در فقه شیعه، تا حدی گسترده‌تر می‌باشد، زیرا در حالی که بیشتر فقهای شیعه سب‌النبی را منحصر به پیامبر اسلام (ص) دانسته‌اند، قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، مصادیق آن را به انبیای عظام الهی، امامان دوازده‌گانه شیعه و حضرت فاطمه (س) توسعه داده است. به نظر می‌رسد باتوجه به این که اهانت به انبیای عظام الهی برای پیروان آن ادیان و اهانت به امامان دوازده‌گانه شیعه و حضرت فاطمه (س) برای مسلمان شیعه، کلامی آزاردهنده محسوب می‌شود، چنین توسعه مصادیقی، منطقی و قابل قبول باشد.

اگرچه قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) با توسعه مصادیق سب‌النبی، رویکرد مناسب‌تری نسبت به رویکرد بیشتر فقهای شیعه از خود نشان داده است، اما از برخی جهات در مقابله با سب‌النبی به‌عنوان یکی از مصادیق خشونت گفتاری، نارسایی‌هایی نیز دارد، ازجمله این موارد، حکم مقرر در ماده ۲۶۳ این قانون است که به‌موجب آن، «هرگاه متهم به سب، ادعا نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است، سب‌النبی محسوب نمی‌شود.»

نقصی که این ماده دارد، آن است از یک‌سو، موارد متعددی که برخی از آن‌ها ارتباطی نیز با یکدیگر ندارند را از دایره شمول سب‌النبی خارج کرده است و از دیگرسو، باوجود آن که سب‌النبی، به‌عنوان کلام آزاردهنده، موجب آزارشونده یا خواننده می‌شود، در برخی فروض آن مانند غضب یا سبق لسان^۲ یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری، باید بدون مجازات باقی بماند. به همین جهت، شایسته بود

مجازات جرم قذف، بهتر است قانون‌گذار در اصلاحات آتی قانون مجازات اسلامی به‌سمت این دیدگاه فقهی، گرایش یابد.

۲-۱-۲- سب‌النبی

«سب» به‌معنای دشنام و ناسزا می‌باشد (جوهری، ۱۳۷۶: ۱۴۴/۱). سب‌النبی به‌معنای دشنام‌دادن به پیامبر اسلام (ص) می‌باشد، یعنی به ایشان چیزی را نسبت دهند که عیب و نقص، محسوب شود. سب‌النبی شامل هر نوع دشنام و ناسزا به پیامبر می‌شود و می‌تواند دربرگیرنده مواردی چون بدگویی، زشت‌گویی، مسخره‌کردن و یا اهانت به ایشان باشد. فقهای شیعه سب‌النبی را عملی حرام و عمدتاً جزء جرایم حدی به‌شمار آورده (موسوی خوئی، ۱۴۲۲: ۳۲/۱) و بیشتر آنان درصورت وجود شرایطی چون داشتن قصد، عدم تقیه، عدم اکراه و عدم نادانی، مستوجب قتل سب‌النبی دانسته‌اند. درخصوص دلیل این حکم عمدتاً دو دیدگاه وجود دارد: برخی همچون شهید ثانی، سب‌النبی را از موارد ارتداد دانسته و حکم به قتل سب‌النبی را به‌دلیل ارتداد می‌داند (عاملی جبعی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳: ۴۵۴/۵). برخی دیگر از فقهای شیعه وجوب حفظ احترام پیامبر اسلام (ص) را علت اصلی حکم سب‌النبی دانسته‌اند و گروه دیگری از فقها حفظ و دفاع از دین را دلیل آن بیان داشته‌اند (حاجی ده‌آبادی و نوری، ۱۳۹۳: ۴۱-۴۰).

سب‌النبی از آن جهت خشونت کلامی به‌شمار می‌آید که نسبت به مسلمان، گفتاری آزاردهنده به‌شمار می‌آید. در واقع، زمانی که شخص با گفتار یا نوشتار مرتکب سب‌النبی می‌شود، اقدام وی نسبت به اشخاصی که معتقد به دین اسلام هستند، کلامی آزاردهنده محسوب می‌شود. در عمل نیز نمونه‌های متعددی از این موارد که اهانت به پیامبر اسلام (ص) در قالب گفتار یا نوشتار، موجب آزار مسلمانان و واکنش شدید آنان گردیده است را در طی نیم قرن اخیر می‌توان مشاهده نمود.^۱

مسأله «سب‌النبی» مورد توجه قانون‌گذار ایران نیز قرار گرفته است، به‌طوری که قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) در این زمینه بیان می‌دارد: «هرکس پیامبر اعظم (ص) و یا هر یک

^۲ - «سبق لسان را حالتی دانسته‌اند که در آن فردی فاقد سابقه تبیین اظهار مزبور بوده باشد» (میرکمالی و صالح احمدی، ۱۴۰۰: ۳۴۹/۱).

^۱ - به‌عنوان مثال بسیاری از نویسندگان، کتاب نگارش «آیات شیطانی» و یا اهانت نشریه فرانسوی «شارلی ابدو» به پیامبر اسلام را مصداق سب‌النبی دانسته‌اند (جواهری، ۱۳۸۸: ۱۲).

در نظام حقوقی ایران مهم‌ترین مصداق «سب»، توهین می‌باشد که در برخی قوانین، ازجمله قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مورد توجه قرار گرفته است، اگرچه در این قانون، همانند فقه جزایی، توهین جزء جرایم تعزیری دانسته

یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید، جزء در مواردی که موجب حد است به جزای نقدی درجه شش محکوم خواهد شد.»

اگرچه به موجب این ماده، افترای قولی جرم، محسوب و مستوجب تعزیر دانسته شده است؛ با این حال در مقایسه با افتراء از منظر فقه شیعه از برخی جهات دارای تفاوت است: نخست آن که برخلاف آثار بیشتر فقهای شیعه که در آن‌ها در مباحث مربوط به افتراء یا تهمت عمدتاً به بحث و بررسی افترای لسانی پرداخته شده است، در ماده قانونی فوق، علاوه بر افترای قولی (که عبارت «یا به هر وسیله دیگر» دلالت بر آن دارد)، افتراء در قالب نوشتار (با تصریح قانون‌گذار به عبارت «به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد») نیز مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است؛ دوم آن که، در نظام کیفری ایران، برخلاف فقه شیعه، افترای قولی در صورتی تحقق می‌یابد که رفتار انتسابی، جرم باشد، بنابراین در مواردی که شخص، دیگری را متهم به رفتاری نماید که از منظر عرف جامعه عملی قبیح بوده، اما جرم محسوب نمی‌شود (مانند دروغگویی، چاپلوسی، دو رویی و ...) قابل تعقیب و مجازات نیست، درحالی که از منظر فقه شیعه، مرتکب گناه کبیره شده است.

۲-۲-۳- تهدید

تهدید در لغت به معنای ترسانیدن و وعده عقوبت دادن علیه شخص یا متعلقان وی بوده و در اصطلاح حقوق، ایجاد بیم بر جان، مال یا آبروی دیگری و یا وا داشتن دیگری به ارتکاب جرم است (گل‌گون، ۱۴۰۱: ۳۴).

تهدید ممکن است به صورت لفظی یا عملی (مانند تهدید با سلاح در محاربه) باشد. تهدید لفظی که امروزه از مصادیق خشونت کلامی به‌شمار می‌آید، در منابع اسلامی در موارد متعددی، مورد توجه قرار گرفته است. به‌زعم برخی فقهای شیعه، تهدید در صورتی تحقق می‌یابد که عمل انجام‌شده عرفاً تهدید محسوب شود و قصد مرتکب نیز ترساندن باشد، به طوری که اگر چنین قصدی نباشد، تهدید صدق نمی‌کند (عاملی

جبی (شهید ثانی)، ۱۳۸۱: ۱۵/۵). در مقابل برخی دیگر از فقهای شیعه معاصر بر این عقیده‌اند: حصول ترس برای ترتب احکام تهدید بر شخص، کفایت می‌کند نه صرف قصد ترساندن (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۴۹۲/۲). فقهای شیعه در راستای تضمین امنیت جامعه عمدتاً تهدید و ارباب را عملی حرام دانسته‌اند (محقق حلی، ۱۹۸۳: ۱۸۰/۴). با این حال در آثار فقهای شیعه، در مورد قابل تعزیر بودن شخصی که مرتکب تهدید لفظی می‌شود، سخنی به میان نیامده است.

در نظام حقوقی ایران، تهدید لفظی، جرم محسوب می‌شود؛ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) در ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) در این خصوص بیان می‌دارد: «هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از این که به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از یک‌ماه تا یک‌سال محکوم خواهد شد.»

بنابراین همان‌طور که مشاهده می‌شود، در نظام کیفری ایران، از یک‌سو، تهدید (برخلاف دیدگاه رایج در منابع فقهی)، مستوجب مجازات تعزیری است و از دیگرسو عبارت «به هر نحو» مقرر در این ماده، دلالت بر آن دارد، این جرم شامل هر نوع تهدید (اعم از لفظی، نوشتاری و عملی) می‌شود، در نتیجه دایره شمول گسترده‌ای نسبت به تهدید در منابع فقه شیعه دارد، زیرا فقهای شیعه عمدتاً تهدید را محدود به تهدید لفظی دانسته‌اند.

۳- خشونت کلامی در فقه خانواده و حقوق مدنی ایران

یکی از مباحث فقهی، مبحث مربوط به فقه خانواده می‌باشد که عمدتاً شامل مسائل مربوط به زوجیت و ولایت بر فرزندان می‌شود. باتوجه به این که خشونت کلامی در محیط خانواده نسبت به زوجه و فرزندان، در طول تاریخ شیوع فراوانی داشته است، نظر به اهمیت این موضوع در این بخش به بررسی تطبیقی خشونت کلامی در باب زوجیت و خشونت کلامی در باب ولایت از منظر فقه خانواده و حقوق مدنی ایران پرداخته می‌شود.

۳-۱- خشونت کلامی در باب زوجیت

۱- ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی (مصوب ۱۳۷۹)، بیان می‌دارد: «قضات دادگاه‌ها موظفند موافق قوانین به دعوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی

به‌عنوان مثال، مرد به همسر دائمی خود بگوید: به خدا سوگند، دیگر با تو نزدیکی نخواهم کرد (دادم‌ری، ۱۳۸۵: ۵۰۳).

زوج پس از ایلاء تنها تا به مدت چهارماه می‌تواند بر سوگند خود باقی باشد و پس از آن یا باید به زندگی زناشویی خود بازگردد یا همسر خود را طلاق دهد. همچنین پس از وقوع ایلاء، زن می‌تواند نزد حاکم طرح دعوا نماید؛ در این صورت حاکم به شوهر به مدت چهارماه فرصت می‌دهد تا میان بازگشت (که همان نزدیکی از جلو است) یا طلاق، یکی را انتخاب نماید.

ایلاء که به‌معنای تحریم همخوابگی زن از سوی شوهر وی می‌باشد از روش‌های عربان دوران جاهلیت برای در تنگنا گذاشتن همسرانشان بود که موجب تحقیر زن می‌شده است. باتوجه به این‌که ایلاء از سویی زن را از لذت جنسی، محروم و از سوی دیگر با طلاق‌دادن زن، وی را سرگردان نموده و امکان ازدواج با دیگری را از او سلب می‌نماید (جلالی فر و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۹-۵۵). برای زن، گفتاری آزاردهنده محسوب می‌شود و از نظر برخی نویسندگان، مصداق خشونت کلامی به‌شمار می‌آید (اسدی و مرتاضی، ۱۳۹۶: ۹).

در نظام حقوقی ایران به مسأله «ایلاء» در قوانین موجود اشاره‌ای نشده است و در صورت ارتکاب آن توسط شوهر ضمانت اجرای حقوقی مشخصی در قوانین برای آن وجود ندارد؛ با این حال به‌نظر می‌رسد در این موارد نیز همانند موارد ارتکاب «ظهار» بتوان با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی به منابع فقهی مراجعه نموده و از ضمانت اجرای موجود در فقه شیعه بهره گرفت.

۳-۱-۳- لعان

«لعان» عبارتست از این‌که مرد به همسر دائمی خود که سابقه نزدیکی با وی را دارد، نسبت زنا بدهد، به‌طوری‌که ادعای دیدن آن زنا را نماید، اما بینه‌ای برای اثبات آن نداشته باشد و یا آن که فرزندی که در فراش زوج و با فراهم‌بودن شرایط لازم به دنیا آمده است را انکار نماید (دادم‌ری، ۱۳۸۵: ۵۰۵).

لعان که شرط تحقق آن، پاکدامن‌بودن زن است، علاوه‌بر گفتار با اشاره نیز می‌تواند واقع شود؛ از منظر فقه‌های شیعه، لعان

شخص لال با اشاره‌ای که بیانگر مقصود باشد، صحیح است. به‌زعم بیشتر فقه‌های شیعه پس از انجام لعان، نکاح فسخ شده و زن و شوهر از یکدیگر جدا می‌شوند. زن برای همیشه بر شوهر حرام می‌شود و ازدواج دوباره آن دو ممکن نیست. اگر موضوع لعان نفی فرزند باشد، فرزندی که مورد لعان واقع شده متعلق به شوهر قلمداد نمی‌شود. همچنین حد از هر دو ساقط می‌شود، یعنی نه شوهر به دلیل قذف و اتهام زنا تازیانه می‌خورد و نه زن به دلیل زنا سنگسار می‌شود (صفائی و امامی، ۱۳۸۴: ۱۱۶).

لعان به هر شیوه و کیفیتی واقع شود، اقدامی آزاردهنده بوده و می‌توان آن را از مصادیق خشونت کلامی نسبت به زن و فرزند دانست.

در نظام حقوقی ایران، لعان در قانون مدنی در برخی مواد مورد توجه قرار گرفته است. در این قانون بدون آن‌که لعان تعریف شده باشد، عمدتاً آثار آن بیان شده است. ماده ۱۰۵۲ قانون مدنی بیان می‌دارد: «تفریقی که بالعان حاصل می‌شود، موجب حرمت ابدی است.» علاوه‌بر این، ماده ۸۸۲ قانون فوق مقرر می‌دارد: «بعد از لعان زن و شوهری از یکدیگر ارث نمی‌برند. همچنین فرزندی که به‌سبب انکار او لعان واقع شده، از پدر و پدر از او ارث نمی‌برد، لیکن فرزند مزبور از مادر و خویشان مادری خود و همچنین مادر و خویشان مادری از او ارث می‌برند.» همچنین به موجب ماده ۸۸۳ «هرگاه پدر بعد از لعان رجوع کند پسر از او ارث می‌برد، لیکن از ارحام پدر و همچنین پدر و ارحام پدری از پسر ارث نمی‌برند.»

به‌نظر می‌رسد در نظام حقوقی ایران آثار حقوقی لعان (شامل حرمت ابدی زن بر شوهر و محرومیت شوهر از ارث) که عیناً برگرفته از فقه شیعه می‌باشد، ضمانت اجرای حقوقی مناسبی برای مقابله با این گفتار خشونت‌آمیز هستند که می‌توانند تا حد زیادی موجب تعدیل موارد ارتکاب این خشونت کلامی نسبت به زنان پاکدامن و یا فرزندان آنان شود.

۳-۲- خشونت کلامی در باب ولایت

در محیط خانواده، مرد نسبت به فرزندان خود ولایت (قهری) دارد. باتوجه به تسلطی که مرد بر محیط خانواده دارد، ارتکاب خشونت کلامی نسبت به افرادی که بر آنان ولایت دارد، ازجمله

نفع متهم در کنار دشواری اثبات خشونت کلامی (به جهت فقدان آثار مادی خارجی) را می‌توان از جمله دلایلی دانست که موجب شده‌اند در نظام قضایی ایران نمونه‌های بسیار اندکی از اعمال ضمانت اجرای کیفری علیه مرتکبان خشونت کلامی نسبت به افراد تحت ولایت یا حضانت آنان، وجود داشته باشد.

نتیجه‌گیری

پدیده خشونت کلامی که سابقه‌ای به درازای جوامع بشری دارد، مصادیق متعددی در طول تاریخ داشته است که برخی از این مصادیق در منابع اسلامی و نظام حقوقی ایران قابل مشاهده است، اگرچه در منابع اسلامی، از جمله فقه شیعه، به صراحت عبارت «خشونت کلامی» به کار نرفته است، اما در برخی مباحث مربوط به فقه شیعه، از جمله باب حدود، تعزیرات، زوجیت و ولایت به رفتارهایی اشاره شده است که در حال حاضر ارتکاب آن‌ها مصداق خشونت گفتاری به‌شمار می‌آید. باتوجه به این که بخش زیادی از قواعد موجود در نظام حقوقی ایران برگرفته از فقه شیعه می‌باشد و بسیاری از گفتارهای مصداق خشونت کلامی که امروزه در نظام حقوقی ایران مشاهده می‌شود، برگرفته از منابع فقهی است، مقاله کنونی به بررسی تطبیقی رویکرد نظام‌های حقوقی اسلام و ایران به خشونت کلامی پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد: در باب حدود، قذف و سب‌النبی و در باب تعزیرات، سب، افتراء و تهدید مهم‌ترین خشونت‌های کلامی هستند که قواعد آن‌ها در فقه شیعه و قوانین جزایی ایران بیان شده است. همچنین در باب زوجیت، ظهار، ایلاء و لعان مهم‌ترین گفتارهای مورد اشاره در فقه شیعه هستند که موجب آزار روانی زن می‌شوند. با این حال در میان موارد سه‌گانه فوق در نظام حقوقی ایران، تنها قواعد مربوط به لعان در قوانین بیان شده است و قوانین ایران در مورد ظهار و ایلاء حکمی ندارد. علاوه بر موارد فوق در فقه شیعه در باب ولایت و حضانت، موضوع تنبیه و تأدیب کودک مورد توجه قرار گرفته و در نظام حقوقی ایران نیز تنبیه و تأدیب در برخی قوانین تجویز گردیده است؛ از آنجایی که تنبیه و تأدیب ممکن است به صورت زبانی باشد آن را می‌توان مصداق خشونت کلامی دانست.

فرزندان خود همواره امری محتمل است. در بسیاری موارد، خشونت کلامی نسبت به فرزندان ممکن است در راستای تنبیه یا تأدیب آنان باشد. از منظر بیشتر فقهای شیعه، تنبیه فرزند از سوی پدر و مادر (اعم از تنبیه کلامی یا فیزیکی) در راستای تربیت وی جایز است (عطاران، ۱۳۶۶: ۸).

در نظام حقوقی ایران نیز مشابه با فقه شیعه تنبیه فرزند در قوانین متعددی پذیرفته شده است؛ قانون مدنی در این خصوص بیان می‌دارد: «ابوین (پدر و مادر)، حق تنبیه طفل خود را دارند، ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود، تأدیب و تنبیه نمایند.»^۱ همچنین به موجب ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، «اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آن‌ها انجام می‌شود، مشروط بر این که اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد»، قابل مجازات نیست.^۲

باتوجه به این که تنبیه و تأدیب می‌تواند شامل تنبیه بدنی و کلامی باشد و تنبیه کلامی کودک عمدتاً به صورت گفتار سرزنش‌آمیز، هشداردهنده، تهدیدکننده، تحقیرکننده و مانند این‌ها می‌باشد که در بیشتر موارد موجب آزار روانی کودک می‌گردد، چنین اقداماتی را می‌توان مصداق خشونت کلامی نسبت به کودک دانست.

همچنان که برخی نویسندگان بیان داشته‌اند: تجویز تنبیه بدنی در نظام حقوقی ایران، خود زمینه‌ساز بروز خشونت کلامی نسبت به افراد تحت ولایت یا حضانت می‌شود (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۱۱)، اگرچه در قانون مجازات اسلامی، تأدیب و تنبیه، مقید به متعارف‌بودن شده است، با این حال درخصوص این موضوع که تنبیه متعارف چیست و شامل چه مواردی می‌شود، ابهام وجود دارد.

بدون تردید، ابهام موجود در این زمینه بر امکان اعمال ضمانت اجرای حقوقی تأثیرگذار بوده و در این موارد، دادرسان ممکن است در پرتو اصل تفسیر به نفع متهم، موارد مبهم از جهت متعارف یا نامتعارف‌بودن را به نفع مرتکب خشونت کلامی تفسیر نمایند. ضمانت اجرای حقوقی مبهم و اصل تفسیر به

^۱- ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی.

^۲- بند «ت» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲).

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم.

- ابن قدامه، موفق‌الدین ابومحمد عبدالله (۱۴۰۰). *المعنی*. جلد هشتم، بیروت: دارالکتاب العربی.

- اسدی، محمد و مرتاضی، احمد (۱۳۹۶). «خشونت کلامی خانگی علیه زنان و راهکارهای قانونی برخورد با آن». *پژوهش‌نامه زنان*، ۸(۲): ۲۰-۱.

- امینی، علیرضا و آیتی، محمدرضا (۱۳۸۵). *فقه استدلالی (ترجمه تحریر الروضه فی شرح اللمعه)*. ترجمه سیدمهدی دادمیزی، چاپ دهم، قم: کتاب طه.

- بابایی، سعید (۱۳۹۳). «حکمت تشریع آیات ظهار، واقعی بودن نسب و دفاع از حقوق زن». *فصلنامه روان‌شناسی فرهنگی زن*، ۵(۱۹): ۲۷-۴۶.

- بطحائی گلپایگانی، سیدهاشم (۱۳۸۲). «قذف از دیدگاه کتاب و سنت». *فصلنامه اندیشه‌های حقوقی*، ۱(۳): ۲۹-۴۶.

- تبریزی، جواد (۱۴۲۷). *أسس الحدود و التعزیرات*. قم: دفتر مؤلف.

- جلالی‌فر، رضوان؛ آل رسول، سوسن و مهریزی، مهدی (۱۴۰۲). «نگرشی تحلیلی به نسخ تمهیدی ایلاء با نظر داشت نگاه تاریخ محور به نگره‌ها». *فصلنامه مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، ۷(۳): ۳۸-۶۵.

- جواهری، محمدرضا (۱۳۸۸). «مبانی قرآنی حکم امام خمینی بر اعدام سلمان رشدی». *روزنامه جمهوری اسلامی ایران*.

- جوهری، اسماعیل (۱۳۷۶). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*. جلد اول، بیروت: دارالعلم للملایین.

باوجود آن‌که برخی از مصادیق خشونت کلامی در نظام حقوقی ایران مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است، اما در این زمینه نارسایی‌هایی نیز وجود دارد که برخی از آن‌ها بدین شرح است: نخست آن‌که، در مورد برخی مصادیق خشونت کلامی در نظام حقوقی ایران، ضمانت اجرای کافی یا مناسبی وجود ندارد؛ به‌عنوان مثال، در مورد قذف، ماده ۲۵۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، بیان می‌دارد: «کسی که دیگری را به یک یا چند سبب، یک‌بار یا بیشتر قبل از اجرای حد، قذف نماید، فقط به یک حد محکوم می‌شود...»؛ در واقع درحالی‌که ارتکاب قذف در هر مرتبه به‌ویژه در مواردی که چندین قذف واقع شود و ارتکاب آن‌ها با فاصله زمانی باشد، موجب آزار مخاطب می‌شود، در مورد همه آن‌ها باید تنها یک مجازات اجرا شود. به همین جهت به‌نظر می‌رسد دیدگاه فقهی که هربار ارتکاب قذف را مستوجب مجازات می‌داند، درجهت مقابله با قذف، مؤثرتر باشد؛ بنابراین درجهت بازدارندگی بیشتر مجازات جرم قذف، بهتر است قانون‌گذار در اصلاحات آتی قانون مجازات اسلامی به این موضوع توجه نماید؛ دوم آن‌که، در نظام حقوقی ایران در مورد برخی مصادیق خشونت کلامی مانند ظهار و ایلاء که در فقه مورد توجه قرار گرفته‌اند، سکوت شده است، درحالی‌که وقوع آن‌ها یا بیان گفتارهایی که به‌لحاظ معنایی با آن‌ها مشابه باشد، در عصر کنونی، محتمل است. با توجه به این‌که چنین گفتارهایی مصداق خشونت کلامی به‌شمار می‌آیند، درجهت مقابله با آن‌ها بهتر است با توسل اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، قضات را مکلف به جستجوی در منابع فقهی یا فتاوای معتبر جهت یافتن حکم موضوع بدانیم تا خشونت کلامی بدون عقوبت باقی نماند.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

سهم نویسندگان: برابر.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

- میرکمالی، علیرضا و صالح احمدی، سحر (۱۴۰۰). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گالوس.

- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۰). *جواهرالکلام*. جلد اول، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

- یزدی، محمد (۱۴۱۵). *فقه القرآن*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

ب. منابع انگلیسی

- "How Do You Write Verbal abuse Without it Coming Off as Cheesy?" (2022). Available at: <https://writing.stackexchange.com/questions/63310/how-do-you-write-verbal-abuse-without-it-coming-off-as-cheesy>.

- Gordon, SH (2024). "How to Recognize and Cope with Verbal Abuse". *Verywell Mind*.

- Karakurt, G & Silver, KE (2013) Emotional abuse in Intimate Relationships: The Role of Gender and Age. *Violence Vict. Violence Vict*, 28(5): 804-821.

- World Health Organization. (2024). Violence against children. Available at: <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/violence-against-children>.

- حاجی ده‌آبادی، احمد و نوری، عباس (۱۳۹۳). «بازپژوهشی در مجازات ساب‌الامام». *فصلنامه حقوق اسلامی*، ۱۱(۴۰): ۳۹-۷۰.

- حر عاملی، محمد (۱۳۹۲). *وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. جلد هجدهم، تهران: مکتب الاسلامیه.

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱). «موقعیت اطفال بزه‌کار - بزه‌دیده در حقوق کیفری ایران». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی*، ۷(۲۵): ۳-۳۰.

- صفائی، حسین و امامی، اسدالله (۱۳۸۴). *مختصر حقوق خانواده*. چاپ هشتم، تهران: انتشارات میزان.

- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. جلد نوزدهم، چاپ بیست‌وششم، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

- عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین‌الدین (۱۳۸۱). *مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*. جلد پنجم، چاپ اول، قم: مؤسسه معارف اسلامی.

- عطاران، محمد (۱۳۶۶). *آرای مریبان بزرگ مسلمان درباره کودک*. چاپ سوم، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.

- گل‌گون، عبدالکریم (۱۴۰۱). «بررسی ماهیت و مفهوم تهدید و خطر جانی در فقه و حقوق ایران». *فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر*، ۳(۱): ۳۳-۴۴.

- محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین (۱۹۸۳). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد چهارم، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر.

- موسوی خمینی، سیدروح‌اله (۱۳۷۹). *تحریر الوسیله*. جلد دوم، قم: دارالعلم.

- موسوی خوئی، ابوالقاسم (۱۴۲۲). *مبانی تکمله المنهاج*. جلد اول، بغداد: انتشارات بابل.